

از معجزات شعر

شعر معجزه ها کرده و می کند . در « چهار مقاله » عروضی سمرقندی مبلغی ازین معجزه ها مذکور افتاده است که دلالت دارد بر آنکه شعر چه کارها که نمی کند . اشخاصی را در اندک مدتی (و گاهی تنها در یک مجلس) بثروت هنگفت میرساند ، محکومین بحبس و قتل را در عرض چند دقیقه خلاصی می بخشد ، از جنگها و خونریزی ها جلو گیری می کند و صدها و هزارها معجزات دیگری دارد که در خلال کتابهای ما داستان راست و مستند آن آمده است و همه کم و بیش میدانیم و محتاج به بیان نیست .

شعر لابد در فرنگستان هم ازین نوع معجزات داشته و دارد و از آن جمله در اینجا بذکر یک فقره میپردازد . اخیراً در روزنامه « تریبون دژنو » (منبر ژنو)^۱ که یکی از دوسه روزنامه یومیه معروف شهر ژنو است سرمقاله ای دیدم که اینک بتلخیص و ترجمه آن می پردازم : در ژنو یک کارمند بین المللی^۲ زندگی می کند که چون یکی از خاطرات دوره طفولیت خود را چندی پیش بخاطر آورد میتوان گفت که تا اندازه ای مدار تاریخ جهانی را تغییر داد و شاید بتوان بدون اغراق و مبالغه ادعا نمود که اگر این اقدام او نبود شخصیتی مانند اتان که امروز دبیر کل سازمان ملل متحده است دارای این سمت بسیار مهم و مؤثر نمی بود . شرح این قضیه آنکه چنانکه میدانید دولت بلژیک در تاریخ اول ماه ژوئیه ۱۹۶۱ میلادی (شاید با قدری شتابزدگی) بکشور کونگو در افریقای مرکزی استقلال داد و در آنجا وقایع خونینی رخ داد که ممکن بود دامنه وسیعی پیدا نماید و دنبائی را بآتش و خون بکشانند .

در آن تاریخ دبیر کل سازمان مذکور در فوق داگ هامرشولد^۳ از رجال بنام سوئد بود . وی در صدد برآمد که بامداخله مستقیم خود (بشرط آنکه دولتهای دیگر مستقیماً مداخله ننمایند) جلو فتنه را بگیرد . باشاهام هر چه تمامتر کمر همت بر بست و عازم آن صوب گردید و چنانکه شاید در خاطر خوانندگان گرامی مانده باشد در وسط صحرا و بیابان هواپیمائی که حامل او بود آتش گرفت و مسافرمارا طعمه آتش ساخت بدون آنکه احدی بتواند کسکی باو برساند . از میان رفتن او و لزوم پیدا کردن جانشینی برای او تولید بحرانی نمود که چیزی نمانده بود تیشه بریشه اساس سازمان ملل متحده بزند و تفصیل این بحران ازین قرار است :

در ماه سپتامبر همان سال روزنامه بسیار معتبر و مشهور امریکائی « نیویورک تایمز »

۱ - شماره ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ میلادی . ۲ - یعنی کارمندی که در یکی از مؤسسات بین المللی از قبیل « سازمان ملل متحد » یا « سازمان بهداشت جهانی » ، و یا « سازمان بین المللی کار » (از قضا راقم این سطور هم ۳۰ سال در همین مؤسسه اخیر سمت کارمند بین المللی میداشت) کار میکند . ۳ - Dag Hammerskjold

نوشت که روسیه شوروی مخالف این است که تنها یکنفر جانشین برای هامر کسبولد معین گردد و اصرار دارد که سه نفر جانشین معین نمایند که در حقیقت یک «تریوم وایرات»^۱ باشد و از همان موقع بچنین ریاستی نام و عنوان «ترویکا»^۲ داده شد که بمعنی ارباب سه اسبی است. روز ۲۶ همان ماه سپتامبر کندی رئیس فقید جمهوری امریکا در مجمع عمومی سازمان ملل متحده نطقی ایراد نمود مبنی بر اینکه ریاست سازمان مزبور باید با یکنفر باشد همین گفته او بدین صورت بود که «انتخاب جانشینی برای شادروان هامر کسبولد هر قدر هم مشکل باشد آشکار است که وظایف او را یکنفر بهتر از سه نفر میتواند انجام بدهد و مسلم است که سه اسبی که بیک «ترویکا» بسته شده هرگز بیشتر از یکنفر راننده نداشته‌اند و اگر سه راننده داشته باشد بیم آن می‌رود که هر راننده ارباب را بسوی دیگری سوق بدهد. هرچنین ارباب‌های تنها یک راننده داشته و دارد و امروز نیز قوه اجرائیه سازمان ملل متحد باید تنها در دست یکنفر باشد و اگر بخواهیم ریاست و اداره را به سه نفر محول داریم شکی نیست که بجای نظم و انضباط آشوب و اغتشاش و «آنارش» را سبب خواهیم گردید و نتیجه چنان خواهد بود که تمام کارها دچار فلج خواهد گردید و تزلزل جای ثبات و اطمینان را خواهد گرفت. و اگر ما این سازمان را بدست سه نفر راننده بسپاریم هر دولت بزرگ و مقتدری خواهد خواست که کارها را بر طبق میل و اراده خود انجام بدهد و کار منجر خواهد گردید باینکه جنگ سرد بجای آرامش در قلمه صلح و آشتی رخنه نماید. ...»

چنانکه ملاحظه میفرمائید رئیس جمهوری امریکا در ضمن گفتار خود اشاره به ارباب سه اسبی «ترویکا» نموده است و همین کافی بود که شخصی بنام والتر بیسترمان^۳ که در آن موقع منشی در یکی از کمیسیونهای پارلمان امریکا بود^۴ بخاطر بیاورد که خردسال بود و در مملکت خود لهستان بمدرسه میرفت شعر می‌نوشت (تمثیل یا بقول فرنگیها فابل با سکون حرف سوم) بزبان روسی یاد گرفت که در آن از همین ترویکا سخن میرفت. فابلی بود از شاعر فابل ساز معروف روسی موسوم به کریلوف^۵ که



Walter M. Besterman

W.M. Besterman
COMITÉ INTERGOUVERNEMENTAL POUR LES
MIGRATIONS EUROPÉENNES
9, RUE DU VALAIS
GENÈVE, SUISSE

۱- «Triumvirat» یعنی قدرت سه سره.

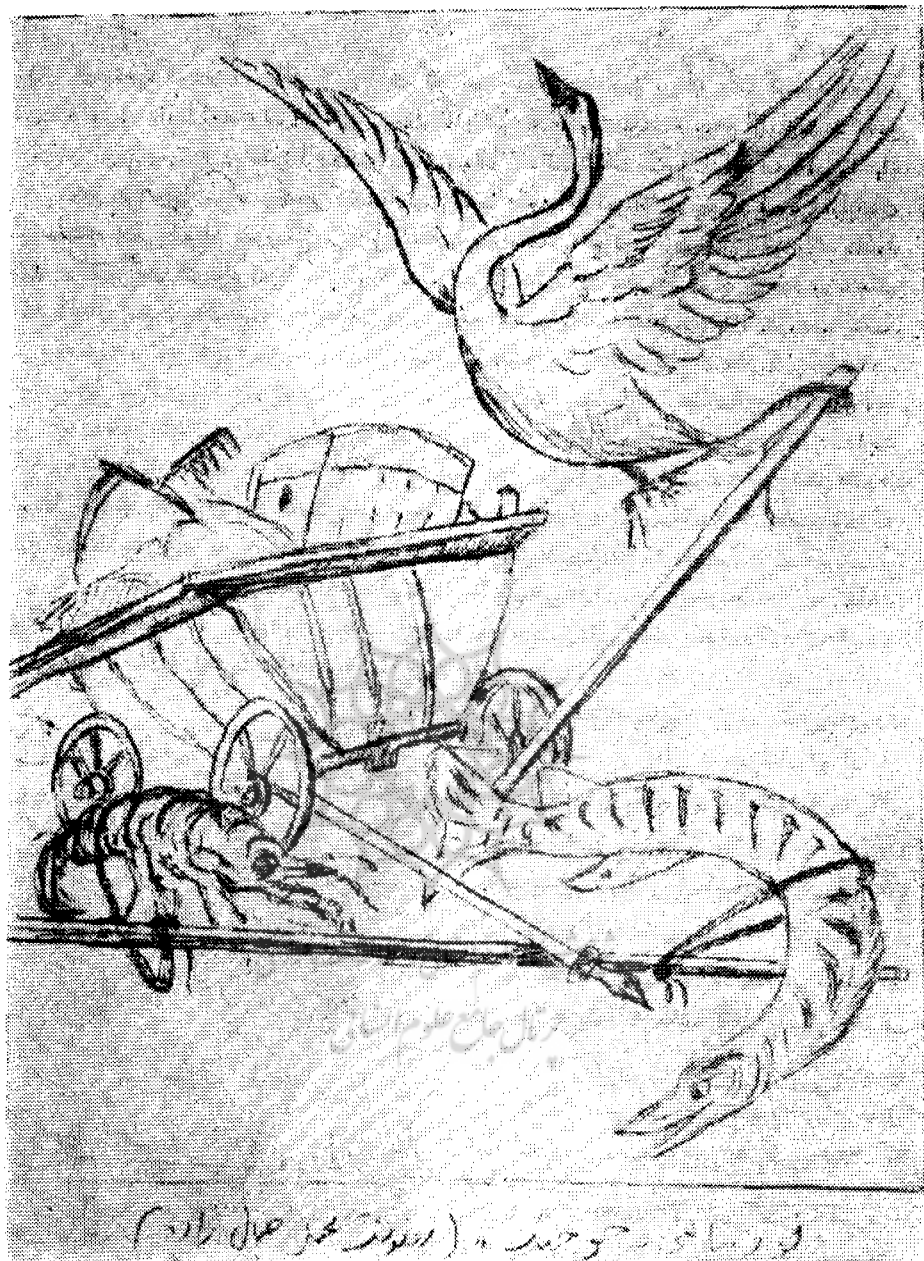
۲- Troika - ۳ Walter Besterman

۴- این شخص از سال ۱۹۶۴ نایب مدیر

کمیته بین‌المللی مهاجرین اروپایی است

۵- Ivan Krylov (Cime) در ژنو.

(۱۷۶۸ - ۱۸۴۴ میلادی).



اورا دلا فونتن روسی، خوانده‌اند و میخوانند این فابل از فابلهای معروف شاعر روسی فابل ساز نامبرده میباشد و چنین عنوان دارد :

۶- La Fontaine (۱۶۲۱-۱۶۹۵ میلادی) شاعر فابل‌ساز بسیار مشهور فرانسوی که در تمام ممالک دنیا اطفال با فابلها و تمثیلهای ممتاز او شروع بآموختن زبان فرانسه مینمایند (مانند دگلستان، سندی برای زبان فارسی).

« قو و ماهی و خر چنگک »

بسترمان بخاطر آوردن که در مجموعه فابلهای کريلوف که در لهستان بکودکان میآموختند نقاش برای این فابل تصویری کشیده بود که قورا نشان میداد که ارا به را بطرف بالامیکشانند و ماهی بسوی قمرآب و خر چنگک که چنانکه میدانید رفتاری به قهقرا دارد ارا به را بجای آنکه بجلو بکشد به عقب میراند . وی که در ابتدا در سفارت کبرای لهستان در واشنگتون سمت رایزن داشت بعدها بتابعیت امریکا درآمد و در کنگره آن کشور دارای شغل و مقامی گردیده بود . فوراً خود را بکتابخانه بزرگ کنگره رسانید و در صدد جستجوی مجموعه فابلهای کريلوف برآمد و طولی نکشید که سه جلد گوناگون از آن مجموعه را در اختیارش گذاشتند که یکی از آنها بزبان روسی و دوتای دیگر بترجمه انگلیسی بود . متن روسی را اداره انتشارات خود دولت شوروی ۱ در سال ۱۹۴۷ میلادی در مسکو بچاپ رسانیده بود . ترجمه انگلیسی که در سال ۱۸۸۳ میلادی از جانب هنری هاریسون ۲ نام انجام یافته بود در نظراو از ترجمه های دیگر بهتر آمد . کتابها را با اجازه کتابخانه زیر بغل گذاشت و بطرف کاخ سفید ۳ که مکان ومقر رئیس جمهوری امریکاست روان گردید وموفق گردید که بوسیله معاون اداری رئیس جمهوری که تیموتی دیردون ۴ نام داشت کتابها را برای کندی بفرستد . طولی نکشید که چهره خندان کندی از پشت در نمودار گردید در حالی که میگفت « بسیار خوب ، بسیار خوب ، آکه ، آکه ، گمان می کنم کار را از پیش ببریم ، سپاسگزارم » .

کندی مدیر چاپخانه بسیار عظیم ومعتبر « مطبعه دولتی ۴ » را احضار نمود و ترجمه انگلیسی فابل را باو نشان داده پرسید آیا برای شما ممکن است که در ظرف دو روز این متن را روی بهترین و گرانبها ترین کاغذ پارشمن (پوست آهو) از همان نوع کاغذی که قوانین را اولین بار بر روی آن چاپ میکنید - تهیه نمائی و بیاوری تا بامضا برسانم . چهل و هشت ساعت پس از آن شعر چاپ شده را بطرزی که زیبا تر از آن متصور نبود بدست کندی دادند . کندی شارل ۵ بولن را احضار کرد . این شخص زبان روسی را بحد کمال میدانست و همان کسی است که در طی جنگ عمومی دوم در طهران در موقعی که استالین و روزولت و چرچیل برای مذاکرات مهم سیاسی بدانجا آمده بودند سمت مترجمی داشت . کندی متن روسی فابل را بدست اوداد وخندان گفت میگویند شما بهترین مترجم زبان روسی هستید آیا برایتان ممکن است این متن راهمینجا برای من از روسی بانگلیسی ترجمه نمائید . ترجمه ارتجالی کارآسانی نیست ولی بولن بترجمه متن پرداخت . کندی گفت بیهوده زحمت نکشید من ترجمه ممتازی ازین شعر را دارم شاید چیزی از متن روسی اصلی کم نداشته باشد وآنگاه خیال دارم در هفته آینده عین متن روسی را بر خشان بکشم .

در روز ششم اکتوبر گرومیکو ۶ در کاخ سفید وارد تالار بیضی شکلی گردید که در سوابق ایام در موقعی که شارژ دافر روسیه شوروی بود برای ملاقات روزولت بدانجا میآمد .

۱ - این اداره را بوسیله حروف Ogiz میخوانند . ۲ - Henry Harrison

۳ - Tim. Reardon Government Printing Office - ۴

۵ - دوستانش او را « جیب » مینامند . ۶ - gromiko

گفت و شنود باز درباره ریاست سازمان ملل متحد بود و نماینده روسیه شوروی در مقام اثبات مدعای خود دلایل و براهین بسیاری اقامه نمود ولی ناگهان کندی از جای خود برخاست و کتابی را از روی میزی که در جوار او بود برداشت و آنرا گشوده صفحه‌های را که در نظر داشت پیدانمود و در زیر نظر طرف خود یعنی گرومیکو گذاشت و گفت خواهشمندم بخوانید. در بالای صفحه با خط جلی نوشته شده بود که این فابلها را در مدارس روسیه بکودکان درس میدهند. متن مزبور بترجمه فارسی تقریبی ازین قرار بود:

ماهی و خرچنگ و قو در يك زمان	خواستند ارا بهای گردد روان
دور آن ارا به گردیدند جمع	همچو پروانه که گردد گرد شمع
ابتدا بستند دور آن طناب	کار باید کرد از روی حساب
مختلف چون هر کسی راند هدف	گوهر مقصود کی آید بکف
قو بزد بال و بشد سوی هوا	زد بدریا ماهی از بهر شنا
همچنین خرچنگ با جهد تمام	از قفا پیوسته بر میداشت گام
هیچ ارا به نخورد از جا تکان	وان سه باشد زاروخسته جسم و جان
باید اول کرد پیدا راه راست	طی نمود آن راه را بی کم و کاست
زاخلاف مسلک و از انشعاب	کی شود اصلاح اوضاع خراب
باید اندر راه حق برداشت گام	تا شود هر کار بر وفق مرام
تا تو پیمائی همواره راه کج	کی شود زین راه کج پیدا فرج
ای برادر زاخلاف و از نفاق	کی شود احباب را شیرین مذاق
باید اول کرد با هم اتحاد	تا بر آورده شود ما را مراد
گفتم این اشعار را با ارتجال	گر شود مقبول ارباب کمال ^۲

ترجمه فارسی تحت اللفظی قابل (بنا بترجمه فرانسوی آن) چنین میشود:

«هنگامی که بین یاران موافقت نباشد، بهر کاری دست بزنند با ناکامی مواجه میگرددند، و ناچار با یأس سرور کار پیدا میکنند. روزی قوئی و خرچنگی و یک ماهی خواستند ارا به سنگینی را از جایی که بود بجای دیگری حمل و نقل نمایند. رنج بسیار بردند و کوشش فراوان نمودند ولی ارا به از جای خود نجنبید و گوئی که این کار مافوق قوت و قدرت آنها بود ولی علت این بود که ماهی ارا به را بطرف آب پیائین میکشید در حالی که قو بطرف بالا سوی آسمان رهسپار و خرچنگ بتهمقرا رهنمون بود. حالا کدام يك ازین یاران سه گانه حق داشت و کدام مقصر بود حل این مشکل را ما معاهده دار نیستیم و آنچه بطور یقین آشکار است این است که این ارا به هنوز هم که هنوز است از جای خود نجنبیده است.»

گرومیکو بخواندن مشغول گردید و چون پایان فابل رسید بنای خندیدن را گذاشت

۱- این ترجمه اثر طبع شاعر عزیز ما آقای یحیی ریحان است که بنا بر خواهش ارادتمند در نهایت سرعت و تقریباً ارتجالاً ساخته و از اسپانیا برایم فرستاده اند و در اینجا از لطف بیدریغ ایشان سپاسگزاری مینمایم (م.ج).
 ۲- این فابل را آقای دکتر رعدی آذرخشی نیز بنظم در آورده است. (مجله نیما)

(چیزی که کمتر دیده شده بود) و گفت «درست است، ظاهراً حق بجانب حضرت عالی است. چیزی که هست در اینجا با حیوانات سر و کار داریم در صورتی که دربارهٔ سازمان ملل متحد باید بزبان آدمیان سخن برانیم.

درین گفت و شنود رفته رفته شب فرا رسیده بود و ستارگان شبی از شبهای فصل خزان در صفحهٔ آسمان پدیدار گردیده بود. گرومیکوبا رئیس جمهور امریکا خدا حافظ گفته سوار اتوموبیل خود گردید و شتابان براه افتاد تا هر چه زودتر پیام کندی را برای خروچف به مسکو تلگراف نماید. کندی دو جلد از چاپ مخصوص شاهانهٔ فابل کریلوف را باو داده و گفته بود که یکی برای شخص خودتان است و دیگری تعلق به آقای خروچف دارد.

چند روز بعد سیاست روسیه شوروی در مورد ریاست سازمان ملل متحد و مسأله «ترومیکا» بصورت دیگری درآمد و نمایندهٔ روس دیگر در راه بکری نشانند پیشنهاد کذائی خود پافشاری نکرد و قیافهٔ مستر اوتمان مدیر کل جدید سازمان ملل متحد در افاق سیاست جهانی جلوه گر گردید و در روز دوازدهم اکتوبر کندی یک جلد از چاپ مخصوص فابل را برای بسترمان فرستاد. در پشت صفحهٔ اول آن بخط خود نوشته بود:

«برای والتربسترمان. این متن موجب بردن بازی گردید باتشکر بسیار و بهترین آرزو مندیها جان. ف. کندی»

پس بازجا دارد که بگوئیم معجز دیگری از شعر صادر گردید: خدا حافظ و حامی قوم و جماعتی است که خوب شعر بگوید و خوب شعر بفهمد و با اهمیت و مقام و منزلت بلند شعر معتقد باشد و احترام شعر را نگهدارد.

(متن روسی فابل کریلوف شاعر روسی)

باید دانست که کریلوف دارای چند صد فابل است و مقداری از ابیات این شاعر مانند ابیات سعدی و حافظ خودمان در میان ملت روسیه حکم ضرب المثل را پیدا کرده و در افواه مردم آن کشور جاری است و مایهٔ ثروتمندی زبان و ادبیات آن کشور گردیده است. راقم این سطور در ژنو یک جلد از ترجمهٔ فرانسوی مقداری از فابل‌های کریلوف با زحمت زیاد بدست آورده است که در سال ۱۸۵۲ (یعنی صد و شانزده سال پیش از این) در پاریس بچاپ رسیده است و مترجم اشعار افرد بوزو نام دارد و عنوان کتاب چنین است: «کریلوف یا لافوتتن روسی، زندگانی و قابلهای او» اگر خدا بخواهد (بشرط بقا) در مقالهٔ دیگری کریلوف و قابلهای او را با تفصیل بیشتری به موطنان معرفی خواهم کرد.

۱ - عین متن انگلیسی ازین قرار است :

For Walter Besterman - This was the argument! many thanks and best wishes. John F. Kennedy Alfred Bougeault - 2

(برسم هدیه بسیار ناقابل نوروژی) ژنو، نوروز ۱۳۴۷ - سید محمدعلی جمالزاده